

الرحمن على العرش استوى و مراد از عرش

حضرت نقطه اولی، حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلي فارسی



لوح رقم (64) امر و خلق - جلد 2

٦٤ - الرحمن على العرش استوى و مراد از عرش

و نیز از حضرت نقطه است قوله الاعلی و لا یکن ان یوصف الله باستعلائه علی شیئی و لا باستوائه علی شیئی لان ما نزل فی التنزیل من عند الخلیل الرحمن علی العرش استوی لم یکن المراد بالعرش الا علمه و قدرته و هو نفسه لا غیره لان لو کان غیره لزم الاقتران و هو المتعالی عن الاشباه و الامثال و هو لم یزل کان عالما و لا معلوم هنالك و لا یزال انه هو قادر و لا مقدور هنالك و ربما یطلق فی عرف اهل العصمة مقام الاستواء مقام ظهور التجلی لغیره بغیره و هو مقام نسبة الشرفیة حیث قد نسبه الله الی نفسه تعظیما لمن نسب و فضلا من عنده علی من ذکر بمثل ما یقول الله الکعبة بیت الله و لا شک ان لیس الله الا هو خلقه قد نسبه الله لنفسه لیعظمه کل عباده و یطوف فی حول احبائه .

و از حضرت بهاء الله در کلمات مکنونه است قوله الابهی یابن البشر هیکل الوجود عرشى نظفه عن کل شیئی لاستوائی به و استقراری علیه .

و از حضرت عبدالبهاء در خطابى است قوله العزیز و اما الایة المبارکة و یحمل عرش ربک یومئذ ثمانية اعلم ان الثمانية حاملة للتسعة و هذه اشارة الی ان عدد الاسم الاعظم المقدس تسعة لانها جالسة علی الثمانية الحاملة لعرشها .



ORIGINAL

مجسمة و مشبهة و کرامیة از مسلمانان که معتقد بتجسم ذات الهی بودند عبارت استوی در آیه قرانیة الرحمن علی العرش استوی را بمعنی ظاهر استقر مانند قوله تعالی و استوت علی الجودی گرفتند و استوی بمعنی استولی مانند شاعر قد استوی بشر علی العراق من عیرسیف و دم مهراق و نیز بمعنی ثم مانند قوله تعالی و لما بلغ اشد و استوی استعمال میشود و بنوع کلی مسلک و مذاق سلف و اقدمین از مسلمین در متشابهات چنین بود که تصدیق کرده و تأویل معنای آنرا بذات حق تعالی تفویض و راجع مینمودند .